

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ كَانَ فِي حَرْبٍ مَعَهُ نَسْرَةٌ
مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلْيُجَاهِدْ
بِهَا فَإِنَّهَا لَتَكُونُ لَكَ
وَأُمَّتِكَ حَرْبًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَمَنْ كَانَ فِي حَرْبٍ مَعَهُ نَسْرَةٌ
مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلْيُجَاهِدْ
بِهَا فَإِنَّهَا لَتَكُونُ لَكَ
وَأُمَّتِكَ حَرْبًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

١٥٣/٣



دانشگاه تربیت معلم تهران

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مشاوره

مقایسه ابعاد نارضایتی زناشویی
زنان و مردان
متقاضی طلاق شهر اصفهان

استاد راهنما:

دکتر باقر ثنایی

استاد مشاور:

خانم دکتر شکوه نوابی نژاد

پرومشاور:

زهرا باقریان نژاد اصفهانی

بهمن ماه ۱۳۸۰

۴۱۶۹۱

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران
تعمیرات

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

گروه مشاوره

این پایان نامه تحت عنوان :

مقایسه ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق

شهر اصفهان

به منظور اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره که توسط خانم زهرا باقریان نژاد اصفهانی تهیه و تدوین شده است . در جلسه مورخ ۸۰/۱۱/۲۰ در حضور هیأت داوران پس از دفاع با نمره ۱۸/۵ و درجه عالی پذیرفته شد.

هیأت داوران : دکتر علیرضا کیامنش

دکتر عبدالله شفیع آبادی

استاد راهنما: دکتر باقر ثنائی ذاکر

استاد مشاور: دکتر شکوه نوابی نژاد

مدیر گروه و نماینده تحصیلات تکمیلی : دکتر محمد تقی فراهانی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران
تعمیرات

با یاد پدر و بردارم
و تقدیم به مادر خداکارم

و

خانواده فوبم

و تقدیم به تمامی زوجها

و

غریزان طلاق

با سپاس و تقدیر فراوان از راهنمائیها و
مشاوره‌های ارزنده‌ی اساتید بزرگوارم جناب
آقای دکتر باقر ثنائی و سرکار خانم دکتر
شکوه نوابی نژاد

و با تشکر از زحمات تمامی کسانی که مرا
صمیمانه در تمامی مراحل این پژوهش
همراهی کردند، به ویژه دوست عزیز و
فرزانه‌ام سرکار خانم نیک نژادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	چکیده
	فصل اول: طرح مسئله
۲	مقدمه
۴	بیان مسئله
۶	اهمیت پژوهش
۸	اهداف پژوهش
۹	فرضیات پژوهش
۹	تعریف متغیرها
	فصل دوم: پیشینه پژوهش
۱۵	پیشینه پژوهش
۱۵	تعریف ازدواج
۱۶	اهمیت و ضرورت ازدواج
۱۷	اهمیت ازدواج در اسلام
۱۷	تعریف خانواده
۱۸	اهمیت خانواده
۱۹	اهمیت خانواده در اسلام

صفحه	عنوان
۲۱.....	اختلافات زناشویی
۲۲.....	فرآیند نارضایی زناشویی
۲۴.....	تعریف طلاق
۲۵.....	طلاق در اسلام
۲۵.....	علل و عوامل طلاق
۲۶.....	علل طلاق از نظر زنان و مردان مطلقه
۲۷.....	شایعترین اختلافات زناشویی از دید درمانگران
۲۸.....	اثرات منفی طلاق
۲۹.....	اثرات مثبت طلاق
۳۱.....	نگاهی به روند طلاق در سالهای اخیر
۳۲.....	وضعیت طلاق در ایران
۳۷.....	مداخلات پیشگیری و درمانی
۳۷.....	۱. مشاوره ازدواج
۳۹.....	۲. غنی سازی ازدواج
۴۲.....	۳. جدایی آزمایشی
۴۴.....	مدلهای زوج درمانگری

عنوان	صفحه
مروری بر تحقیقات انجام شده	۴۸
تحقیقات داخلی	۴۸
تحقیقات خارجی	۵۲
فصل سوم: روش پژوهش	
طرح پژوهش	۷۴
جامعه و نمونه آماری	۷۴
ابزار اندازه‌گیری	۷۵
شیوه اجرای پژوهش	۸۱
روش تحلیل داده‌ها	۸۱
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش	
تجزیه و تحلیل توصیفی پژوهش	۸۴
الف - تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی	۸۴
ویژگیهای جمعیت‌شناسی زنان و مردان متقاضی طلاق	۸۴
ب - تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی	۹۰
مقایسه میانگین ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق	۹۶
مجذور کای (χ^2) جهت بررسی میزان نارضایتی زناشویی بر حسب جنسیت	۹۷

صفحه	عنوان
	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۰۰	بحث در نتایج
۱۲۲	محدودیتها
۱۲۴	پیشنهادات تحقیق
۱۲۴	پیشنهادات کاربردی
۱۲۶	فهرست منابع

بخش ضمائم

پرسشنامه

جدول فراوانی و درصد پاسخگویان

چکیده

ازدواج، اختلافات زناشویی، جدایی و طلاق از پدیده‌های رایج در زندگی انسانهاست. هر زن و مردی در طول زندگی مشترک خود درجاتی از اختلافات و تعارضات زناشویی را تجربه می‌کند، گاه این اختلافات به طرق مختلف حل می‌شود و کار به مصالحه کشیده می‌شود، ولی گاهی نیز شدت اختلافات و عدم آگاهی زن و مرد از راههای مقابله با مشکلات چنان به نارضایتی زناشویی دامن می‌زند که زوجها هیچ راهی به جز طلاق فراروی خود نمی‌بینند. مشخص سازی و مقایسه ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق می‌تواند به مشاوره خانواده و طلاق در اتخاذ تدابیر یا مداخلات پیشگیری و درمانی مناسب کمک وافی نماید.

هدف این پژوهش مطالعه و مقایسه ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان بوده است. فرضیات تحقیق، بررسی وجود تفاوت معنادار بین زنان و مردان متقاضی طلاق است. نمونه تحقیق شامل ۴۰ زن و ۴۰ مرد ۲۵-۴۰ ساله ناراضی از زندگی زناشویی و متقاضی طلاق بوده که با مراجعه به دادگستری اصفهان و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی به مقایسه ابعاد نارضایتی زناشویی بین دو گروه مذکور پرداخته است.

ابزار اندازه‌گیری در پژوهش حاضر فرم ۱۱۵ سؤالی پرسشنامه اتریچ است. آزمون مورد استفاده در این پژوهش، آزمون t برای مقایسه نتایج دو گروه زنان و مردان متقاضی طلاق در رابطه با ابعاد نارضایتی زناشویی و مجذور کای (χ^2) جهت بررسی ارتباط میزان نارضایتی زناشویی با جنسیت افراد متقاضی طلاق است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نارضایتی کلی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق تفاوت معنادار وجود ندارد، تفاوت در ابعاد مسائل شخصیتی، خانواده و دوستان و نقشهای مساوات‌طلبی معنادار است. ولی در سایر ابعاد یعنی ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیتهای اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، نقشهای مساوات‌طلبی، و جهت‌گیری مذهبی تفاوت معنادار وجود ندارد.

فصل اول

طرح مسئله

مقدمه

بیان مسئله

اهمیت پژوهش

اهداف پژوهش

فرضیات پژوهش

تعریف متغیرها

مقدمه

قسمت اعظم عمر انسانها در زندگی مشترک می‌گذرد و خوشبختی یا تیره‌روزی افراد بیش از همه به ازدواج آنها مربوط می‌شود. با ازدواج و شروع زندگی مشترک زن و مرد باید خود را با زندگی و رابطه جدید و نو و هنر و علاوه بر نیازها و احساسات خود و حتی مقدم بر آن به احساسات و نیازهای همسر خود توجه داشته باشند، زمینه‌های رشد و شکوفایی یکدیگر را فراهم آورند، و در حفظ و حراست از روابط زناشویی و حریم زندگی مشترک خود پیوسته تلاش کنند.

متأسفانه معمولاً ازدواجها با حداقل اطلاع و شناخت زوجین از یکدیگر و از نحوه ایفای مسئولیتها و تکالیف متقابل زن و شوهر در زندگی مشترک صورت می‌گیرد. علاوه بر آن، در بعضی از ازدواجها همسران حتی نیازهای ارضاء نشده قبلی، محرومیتها، ناکامیها، رویاها و انتظارات خود را نیز به درون خانواده جدید می‌آورند. در این گونه موارد هر یک از همسران به تأمین انتظارات و نیازهای خود بیش از زندگی مشترک خانوادگی و تفاهم اهمیت داده و زمینه را برای بروز تعارض، اختلافات و نارضایتی زناشویی مساعد می‌کنند. عدم آگاهی زوجین برای مقابله با مشکلات و اختلافات و گاه دخالتهای غیرمعقولانه اطرافیان نیز به این نارضایتی بیشتر دامن می‌زند و اگر زن و شوهر نحوه حل تعارضهای خود را به طور منطقی یاد نگیرند، دیر یا زود روابط آنها به سردی گرائیده و سرانجام برای رهایی از این وضعیت به طلاق روانی یا قانونی متوسل می‌شوند.

اصولاً زندگی زوجین تحت تأثیر فشارهای مختلفی از بیرون و داخل خانواده در معرض خطر فرو پاشی و طلاق قرار دارد. کارتر و مک گلدریک^(۱) (۱۹۸۰)؛ به نقل از یانگ و لانگ، ۱۹۹۸) این عوامل را تحت عنوان الف - عوامل فشارآور عمودی، ب - عوامل فشارآور افقی و ج - عوامل فشارآور سطح

سیستمها توصیف کرده‌اند. الف. عوامل فشارآور عمودی: این عوامل شامل ادراکات درونی هستند که هر فردی از خانواده اصلیش به رابطه می‌آورد، این عوامل متأثر از نسلهای گذشته و شجره خانوادگی است. خاطرات، الگوهای رفتاری، افسانه‌ها در مورد زوج شدن، رازهای خانوادگی و میراثهای نسل گذشته، همگی به این زوج جدید شکل می‌دهند، خواه آنها به طور آشکار از این نفوذها آگاه باشند یا نباشند. ب. عوامل فشارآور افقی: این عوامل تحولات قابل پیش بینی چرخه زندگی هستند، مثل تولد فرزند، پدر و مادر بچه‌های بالغ شده، و نیز حوادث غیر قابل پیش بینی زندگی مثل مرگ غیر منتظره، تصادف یا بیماری مزمن، این عوامل می‌توانند به صورت پیوستار در نظر گرفته شوند که با اولین ملاقات زوجین شروع و تا پایان رابطه از طریق مرگ یا طلاق جریان می‌یابد. ج. عوامل فشارآور سطح سیستمها: این عوامل شامل نفوذهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و همچنین تأثیر اعضای خانواده گسترده، فشارهای الزام آور به خانواده هسته‌ای، گروههای کاری، سازمانها و دوستان در زندگی زناشویی زوجین می‌باشند. به عنوان مثال، برخی از عوامل فشارآور اجتماعی عبارتند از: اعضای خانواده گسترده، خانواده زن و خانواده شوهر، مذهب، عوامل اقتصادی، شغل، اوقات فراغت، دوستان، تحصیلات عالی، عقاید سیاسی، فرصتهای مالی، و فشار برای داشتن فرزند.

امروزه با توجه به رشد روزافزون طلاق و احساس نیاز و اشتیاق اکثر زوجین به کسب اطلاعات بیشتر برای حفظ و تحکیم زندگی زناشویی نیاز به ترتیب و تأمین مشاوران حرفه‌ای خانواده بیش از پیش احساس می‌شود. مشاوران ازدواج می‌توانند با ارائه مشاوره‌های لازم و دادن اطلاعات علمی (مبتنی بر تئوریه‌ها و تحقیقات قوی) به افراد، آنها را برای مقابله با مشکلات و حل تعارضات کمک کنند و روش شاد زیستن، تفاهم و سازگاری و نهایتاً رضامندی از زندگی زناشویی را به تمامی زوجها و بویژه زوجهای در خطر احتمال طلاق آموزش دهند.

بیان مسئله

ازدواج یکی از پدیده‌های رایج در تمامی جوامع انسانی و در تمامی دوران زندگی بشر بوده، و تا زمانی که حیات وجود دارد، ادامه خواهد یافت. تمام انسانها صرف نظر از دلایل و نیاتشان برای ازدواج با این امید زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند که بتوانند به آرامش و سعادت واقعی دست یابند، اما متأسفانه تمام ازدواجها به دلایل مختلفی تا آخر عمر همسران تداوم نمی‌یابند و آنهایی هم که ادامه می‌یابند دلیلی بر خوشبختی، سعادت و رضایت طرفین از زندگی مشترکشان نیست، در واقع بسیاری از همسران سالهای متمادی در کنار هم زندگی می‌کنند بدون آنکه کمترین احساس لذت و رضایتی را از زندگی مشترکشان داشته باشند. اما برآستی چرا انسانهایی که زندگی مشترکشان را با شور و عشق و محبت زایدالوصفی آغاز می‌کنند سرانجام به جایی می‌رسند که فقط کینه، خشم، تنفر، بدبینی و... تنها سرفصل مشترک آنها می‌شود؟!!!

امروزه افزایش تصاعدی میزان طلاق در جوامع مختلف (از جمله کشور ما) و به دنبال آن تبعات سوء این جدائیها بر تمامی افراد خانواده و به ویژه کودکان و همچنین تأثیر ناگوار آن بر کل جامعه، نگرانی تمام مسئولان، دست اندرکاران و انسان دوستان را برانگیخته است. بدیهی است اگر وضع به همین منوال ادامه یابد در آینده‌ای نه چندان دور در بسیاری از کشورها این پدیده به بحران یا فاجعه مبدل خواهد شد. اما برآستی ریشه واقعی این ناکامیها و نارضایتها چیست؟ و اصولاً نارضایتی کدامیک از ابعاد زندگی مشترک می‌تواند منجر به جدایی و طلاق زوجین گردد و آیا نارضایتی زنان و مردان در ابعاد مختلف زندگی زناشویی با یکدیگر تفاوت دارد و یا به عبارت دیگر آیا نارضایتی زنان و مردان در بعد خاصی از زندگی آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد؟ نارضایتی زناشویی فرایندی است که اگر شدت

یابد منجر به استرس و خشم رابطه زوجین می شود در یک زندگی توأم با نارضایتی زن و مرد یا هر دو به تدریج وابستگی عاطفی خود را به یکدیگر از دست داده، با کاهش توجه آنها نسبت به هم، بی تفاوتی و بی علاقه‌گیشان به یکدیگر شدت می یابد و کم کم احساسات مثبت به احساسات خنثی و حتی منفی تبدیل می شود و در طول زمان، با افزایش میزان نارضایتی سرانجام کار به متارکه کشیده می شود. افزایش طلاق و تبعات سوء آن بر کل جامعه از یک طرف، و جوان بودن کشور ما از لحاظ جمعیتی از طرف دیگر حساسیت پرداختن به مسئله طلاق را به طور جدی مطرح می سازد. پژوهش حاضر در صدد است با تأکید بر نقش خانواده زمینه‌ها و ابعاد را در زندگی زناشویی که منجر به طلاق و جدایی می شود، مشخص سازد و روشن کند که آیا زنان و مردان متقاضی طلاق در بعد یا ابعاد خاصی از زندگی زناشویی با هم اختلاف دارند، و این اختلاف در چه بعد یا ابعادی معنادار است؟ بنابراین، آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد این مسئله است که آیا ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق متفاوت است؟ و در صورت وجود تفاوت این تفاوت چگونه است؟